

گفت و گوی صبا با کارگردان و بازیگر فیلم سینمایی یقه سفیدها

یقه سفیدها به دنبال چه هستند؟

فره‌موند ناظریان
گفت و گو

فیلم سینمایی «یقه سفیدها» به نویسندگی فرزاد گودرزی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی شهرام مسلخی است... این فیلم سال ۱۳۹۹ در ژانر کمدی و اجتماعی ساخته شده و پس از چندین سال توقف از ۲۷ اردیبهشت سال ۱۴۰۲ با پخش «هدایت فیلم» اکران خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز کرده است. مهدی هاشمی، مهدی کوشکی، رضا داوودنژاد، لیلاناو تادی، صحرا اسداللهی، علیرضا استادی، ایمان صفا، یوسف یزدانی، آزاده نوبهار، مسعود حقی، رضا درودی، امیرعباس گودرزی، کاظم بابایی و علی یازرلو از جمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند. در خلاصه این فیلم آمده است: پسری که سال‌هاست از پدرش بی‌خبر است، به یکباره متوجه می‌شود پدرش از مسئولین بالایار تبه‌کشور است و تصمیم می‌گیرد وارد زندگی یقه سفیدها شود. کارگردان این فیلم معتقد است: «یقه سفیدها» برخلاف دیگر فیلم‌ها، موضوع کمدی، اجتماعی دارد و همانطور که از نام فیلم پیداست در کنار فضای متفاوت کمدی، موقعیت نقدی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در زیر متن فیلم دارد. خبرنگار صبا درباره این فیلم با رضا داوودنژاد، بازیگر و شهرام مسلخی کارگردان این اثر گپ و گفتی داشته‌است که در ادامه می‌خوانید.

رضا داوودنژاد:

خندانند مردم در این شرایط بسیار کار سختی است
از شروع همکاری و دعوت شدنتان به پروژه سینمایی یقه سفیدها بگوئید.

شهرام مسلخی با بنده ارتباط گرفتند. شرایط پروژه را کامل توضیح دادند بنده هم با توجه به سابقه کاری و حرفه‌ای و شناختی که از ذوق هنری این کارگردان جوان در حوزه فیلم‌سازی داشتم، پذیرفتم که در این فیلم به ایفای نقش بپردازم. البته از دیگر دلایل مهم من برای پذیرش و همکاری با این پروژه مستقل بودن اثر و همچنین بازی در کنار دیگر هنرمندان مخصوصاً مهدی هاشمی بود که از هنرپیشه‌های محبوب من هستند. در کل بازی در این فیلم برایم تجربه کوتاه و بسیار مفیدی بود. از آن تجربه‌ها که ضمن کار کردن در کنار اشخاص حرفه‌ای بسیار هم برای من اوقات لذت بخش و خوشی را به همراه داشت.

این نقش همان خاصیت نوستالژی نقش‌های قبلی رضا داوودنژاد را دارد؟

این فیلم در ژانر کمدی و با رویکرد سلیقه‌ای مخاطب ایرانی است، هر چند که با هوشمندی تیم تولید، موضوع کمدی این فیلم با نقدهای چالش برانگیزی نیز از اجتماع ایران همراه بوده است. گزینش بنده هم به تبع همان ذهنیت پیشینی که از من در ذهن مخاطب ماندگار بوده است، اتفاق افتاده است. البته در شخصیت پردازی این نقش ریزه‌کاری‌های وجود داشت که بخش اعظمی از معرفی شخصیت در همان نوستالژی که مخاطب از داوودنژاد سابق سراغ دارد، اتفاق افتاده است. تیپیکال شخصیتی خاصی که معمولاً برای همین نقش‌ها به من زنگ می‌زند.

آیا بازی در این تیپیکال شخصیتی خاص، برای خودتان هم خوشایند است؟

البته که هر بازیگری، ترجیح‌اش بر بازی در نقش‌های متفاوت است. به همین دلیل است در انتخاب‌های چند سال اخیر آن فضای قبلی کار خود را شکستادم. همان طور که در سریال شهباز نقش یک مامور امنیتی را داشتم و همچنین در سریال نیکان نقش یک وکیل

کاملاً جدی بازی می‌کنم. بهر حال تصمیم‌م در این دوره جدید این بود که لاین کاری خود را تغییر دهم و در واقع بازی در فیلم یقه سفیدها آخرین محصول از آن ورژن سابق رضا داوودنژاد است که در اذهان مردم تبدیل به نوستالژی شده است.

کمی بیشتر درباره این تصمیم و تغییر خود صحبت کنید...
شاید یکی از دلایل‌اش این باشد که دیگر حتی در واقعیت هم من دیگر آن آدم خوشحال نیستم که قادر باشم با نقشی طنازانه مردم را هم خوشحال کنم. از نظر من خندانند مردم در این شرایط کار بسیار سختی است. گاهی شاید به نظر برسد که باید تظاهر به شاد بودن و خوب بودن کرد، اما در نهایت واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت و صادقانه حال من خوب نیست. اصلاً نمی‌دانم چگونه می‌شود با فضا

و شرایط اقتصادی که در جامعه است و درد بی‌پولی مردم که مردم را گرفتار کرده، خوشحال بود؟ در این میان دیگر هنرمند و مردم خیلی از هم دور نیستند، هنرمند انرژی و حیات خود را از روحیه و فضای اجتماعی‌ایی می‌گیرد که در آن نفس می‌کشد. شاید این قضیه برای دیگران ملموس نباشد اما وقتی یک هنرمند به عنوان یک آدم چهره و شناخته شده در اجتماع حضور پیدا می‌کند، مردم با او احساس راحتی کرده و از او سوال می‌کنند و از او انتظار دارند! ما در پاسخ و حتی همدلی با این مردم در مانده‌ایم! در حالی که گویا کسانی که باید پاسخ‌گوی این وضعیت باشند طوری رفتار می‌کنند که انکار اصلاً متوجه زندگی سخت مردم نیستند.

با توجه به ارتباطاتی که با گروه‌های سینمایی و تلویزیونی